



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی دیگر از مؤیداتی که شیخ انصاری (ره) برای صحت بیع فضولی ذکر کردند خبر موثقه عبدالرحمان بود (خبر ۲ از باب ۲۰ از ابواب احکام عقود جلد ۱۲ و سائل ۲۰ جلدی ص ۳۹۴) که دیروز آن را خواندیم.

شیخ اعظم انصاری سه احتمال در این حدیث می دهد و شخصی که پول به دلال داده را سه جور تصور می کند: اول اینکه پولش را به عنوان قرض به او داده (قرض تملیک بالضمان می باشد یعنی مقترض مالک می شود منتهی در مثلی مثل و در قیمی قیمت را ضامن می باشد) و آن شخص رفته با پول خودش برای خودش معاملات را انجام داده منتهی بعد از انجام معاملات اجناسی که برای خودش خریده را پیش طلبکار می آورد و اگر طلبکار هر کدام از آن اجناس را خواست بر می دارد و پولش را به او می دهد و اگر نخواست بر نمی دارد.

دوم اینکه شخص دلال از طرف شما وکیل باشد یعنی پول مال شماست و او وکالتاً از طرف شما و برای شما معامله می کند منتهی با شخصی که معامله می کند قید می کند که من از طرف صاحب مال وکیل و مأذون هستم و این اجناس را از تو می خرم و سپس پیش ایشان می برم هر آنچه را که خواست برمی دارد و پولش را می دهیم و هر آنچه را که نخواست به تو برمی گردانیم.

سوم اینکه شخص دلال پول را از شما قرض می کند و مالک آن می شود منتهی می رود و فضولياً به نام شما و برای شما خرید می کند و سپس اجناسی که خریده را پیش شما می آورد و هر کدام را که شما برداشتی یعنی قبول کردی و اجازه دادی و هر کدام را که نخواستی یعنی رد کردی، خوب فقط این احتمال سوم به درد بحث فضولی می خورد و شیخ اعظم انصاری نیز می فرماید چونکه امام علیه السلام فرموده: « لا بأس » یعنی هیچکدام از این سه احتمال اشکال ندارد و در واقع با این کلام صورت سوم که فضولی است را تأیید فرموده است، این کلام شیخ انصاری بود که به عرضتان رسید.

ما عرض می کنیم کلام شیخ انصاری ظاهراً خالی از اشکال نیست زیرا گاهی در مورد چیزی که شقوقی دارد و تمام شقوق آن روشن هستند از امام سؤال می شود و امام در جواب می فرماید: « لا بأس » که این شامل تمام شقوق می شود، مثل اینکه از امام پرسیده می شود آیا با غسل جمعه و جنابت و زیارت می شود نماز خواند؟ امام می فرماید: « لا بأس » خوب در اینجا شقوق مختلف غسل روشن است و امام که می فرماید: « لا بأس » شامل تمام شقوق می شود، و اما گاهی در مورد چیزی سؤال می شود که شقوق مختلف ندارد و در سؤال شقوق مختلفی پرسیده نشده بلکه خود ما احتمالاتی می دهیم، که مانحن فیه نیز از همین مورد می باشد یعنی مواردی که ذکر شد احتمالاتی هستند که ما می دهیم و در ظاهر لفظ چنین احتمالاتی ذکر نشده لذا جواب امام که فرموده: « لا بأس » نمی تواند دلیل بر صحت احتمالات ثلاثه باشد بلکه روایت چونکه ذو

إِنَّهُ لَمْ يَعْصِ اللَّهَ وَ إِنَّمَا عَصَى سَيِّدَهُ فَإِذَا أُجَازَهُ فَهُوَ لَهُ جَائِزٌ» .

خبر سنداً صحیح است و دلالت دارد بر اینکه بیع فضولی صحیح می باشد ، این آخرین خبری بود که شیخ انصاری (ره) به عنوان مؤید برای صحت بیع فضولی ذکر کردند و من بعد وارد بحث در أدله ی بطلان بیع فضولی می شود .

قبل از اینکه وارد بحث در أدله بطلان شویم یک بحثی در اینجا در رابطه با اموالی که متعلق خمس هستند و با آنها معامله می شود وجود دارد که البته شیخ انصاری و امام (ره) به آن اشاره نکرده اند ولی آیت الله خوئی در مصباح الفقه و سید فقیه یزدی در حاشیه مکاسب و برخی دیگر آن را مطرح کرده اند که ما نیز این شاء الله فردا این بحث را مطرح خواهیم کرد ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین

احتمالات است مجمل می شود و به روایت مجمل نمی شود استدلال کرد ، بنابراین استدلال شیخ انصاری به خبر مذکور برای اثبات صحت بیع فضولی صحیح نمی باشد .

آخرین مؤیدی که شیخ انصاری تبعاً لصاحب جواهر (جلد ۲۲ جواهر ۴۳ جلدی ص ۲۷۹) ذکر می کند اخبار داله بر عدم فساد نکاح عبد بدون إذن مولایش می باشد ، شیخ اعظم در این رابطه می فرماید : « و ربما يؤید المطلب بالأخبار الدالة علی عدم فساد نکاح العبد بدون إذن مولاه، معللاً بأنه لم يعص الله و إنما عصى سيده .

و حاصله : أن المانع من صحة العقد إذا كان لا يرجی زواله فهو الموجب لوقوع العقد باطلاً ، و هو عصيان الله تعالى ، و أمّا المانع الذي يرجی زواله كعصيان السيد فبزواله يصح العقد ، و رضا المالك من هذا القبيل ، فإنه لا يرضى أولاً و يرضى ثانياً ، بخلاف سخط الله عزّ و جلّ بفعل ؛ فإنه يستحيل رضاه » .

خبر مذکور خبر ۱ از باب ۲۴ از ابواب نکاح العبيد و الإمام می باشد که در ص ۵۲۴ از جلد ۱۴ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است ، خبر این است : « مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ : سَأَلْتُهُ عَنْ مَمْلُوكٍ تَزَوَّجَ بِغَيْرِ إِذْنِ سَيِّدِهِ؟ فَقَالَ : ذَاكَ إِلَيَّ سَيِّدِهِ إِنْ شَاءَ أُجَازَهُ وَ إِنْ شَاءَ فَفَرَّقَ بَيْنَهُمَا ، قُلْتُ : أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنْ أَحْكَمَ بِنَ عُنَيْبَةَ وَ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ وَ أَصْحَابَهُمَا (فقهای ساختگی بنی امیه) يَقُولُونَ : إِنْ أَصْلَحَ النِّكَاحِ فَاسِدٌ وَ لَا تُحِلُّ إِجَازَةُ السَّيِّدِ لَهُ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع)